

فهرست مطالب

۲.....	فصل اول
۲.....	بخش اول استعمالات لغوی
۲.....	ثلاثی مجرد:
۲.....	ثلاثی مزید
۱۰.....	نتیجه گیری :
۱۱.....	فصل دوم
۱۱.....	فصل سوم
۱۱.....	مقدمه :
۱۲.....	آیا ایرانی ها روحیه کار جمعی ندارند؟
۱۲.....	اقدامات اولیه در فرهنگ سازی کار جمعی
۱۳.....	نقص ملی
۱۴.....	نتیجه :

فصل اول

(بررسی واژه جمع)

بخش اول استعمالات لغوی

المنجد :

ثلاثی مجرد:

جمع َ جمعاً المتفرق: ضمه والفه

- ۱- ثلاثی مجرد از ماده جمع متعدی بنفسه است.
- ۲- ثلاثی مجرد از ماده جمع از باب (منع - یمنع) میباشد.
- ۳- مصدر ثلاثی مجرد ان جمع می باشد.
- ۴- ضَمَّه والفه : جمع کردن پراکندگی و وصل کردن بعضی از پراکندگی به معنی دیگر
- ۵- اسم فاعل خاصی نیز ندارد.

یقال " جمعت الجمعة " ای اقیمت صلاه الجمعة

- ۱- برای بیان برپاشدن نماز جمعه جُمعت الجمعة استعمال میشود.

ثلاثی مزید

جَمَعَ : بمعنی جمع والتشدید للمبالغه

- ۱- ثلاثی مزید از باب تفعیل
- ۲- معنای ثلاثی مجرد را داراست لکن همراه با تاکید و مبالغه

جمع المسلم : شهد الجمعة

- ۱- جمع فعل محتوی است که از الجمعة گرفته شده است.
- ۲- شهد الجمعة عبارت است از اینکه مسلم جمعه را درک کرد.

جامع مجامعه وجماعه علی کذا : اجمع معه ووافقه

۱- ثلاثی مزیدازباب مفاعله

۲- متعدی به حرف جر (متعدی بنفسه نیزمیباشد * جامعها*)

۳- مجامعه وجمعا دومصدر این باب هستند.

۴- اجمع معه ووافقه درواقع معنای جامع علی کذا میباشدکه عبارت است ازبرچیزی بادیگری همراه شدن وگردآمدن

جامعها : وطفها

۱- متعدی بنفسه میباشد (متعدی به حرف جر میباشد * جامع علی کذا*)

۲- وطفها یعنی باآن زن درامیخت وآمیزش کرد که اگر بخواهد بیان شود جامعها استعمال میشود.

اجمع (القوم علی کذا) (الامر وعلی الامر) (ماکان متفرقا) (الابل)

ثلاثی مزیدازباب افعال

۲- اجمع هم متعدی به نفسه می باشد هم متعدی به حرف جر

۳- جهت بیان متفق وهمراه شدن بریک چیزی، تصمیم وعزم برانجام دادن کاری ، جمع کردن یک نوع پراکندگی به شکلی که دیگرازهم جدا نشوند ورائدن شتر ازپشت سرازاین باب استفاده می شود.

تجمع (القوم) (الشی ء المتفرق)

۱- ثلاثی مزید ازباب تفاعل

۲- ازاین باب ازریشه جمع برای بیان گردآمدن وبه هم پیوستن والفت گرفتن ویکی شدن استفاده می شود.

۳- تجمع لازم است

اجتمع (القوم والشی ء المتفرق) (الغلام)

۱- ثلاثی مزیدازباب افتعال

۲- این باب لازم است .

۳- اجتماع اگر با فاعل القوم والشیء المتفرق همراه شود معنای باب تجمع را دربر دارد و اگر تنها فاعلش الغلام باشد این عبارت برای بیان رسیدن به بلوغ و حد رشد و کمال و یا به عبارتی بیان کامل شدن نیرو استعمال می شود و این عبارت و لفظ در مورد زنان استعمالی ندارد.

انجمع الشیء : انعمت اجزاء و تقاربت افراد :

۱- ثلاثی مزید از باب انفعال

۲- جمع در این باب لازم است.

۳- برای نزدیکی و جمع شدن اجزاء و افراد چیزی استعمال میشود.

استجمع (القوم) (له الامه) (البقل) (الفرس جدیا)

۱- ثلاثی مزید از باب استفعال

۲- استجمع هم استعمال لازم دارد و هم استعمال از نوع متعدی بنفسه

۳- از این باب برای بین جمع شدن و گردهم آمدن جماعتی تمام شدن کاری بر طبق دلخواه خشک شدن سبزه و سبزی (سبزی وقتی که خشک میشود حالت جمع شدن به خودش میگیرد) و اسبی که تمام ونهایت توانش را در دیدن به کار گرفته استفاده میشود.

بخش اسم

الجمع

۱- مصدر ثلاثی مجرد

۲- ج جمعد

۳- برای بیان گروهی از مردم استعمال میشود و در عبارت مثلا یوم الجمع، رستاخیز و قیامت استعمال میشود.

۴- اسم جامد

جمع

۱- جمع : جمع : اجماع

۲- جمع به معنای یک مشت از چیزی میباشد.

۳- جمع اگر به الكف اضافه میشود (جمع الكف) برای بیان مشت استعمال میشود.

۴- اسم جامد

الجامع

۱- فاعل واسم مشتق

۲- ج : جوامع

۳- برای مکان عبارت مسلمانان استعمال میشود.

۴- چنانچه هم الكلام،اليوم، قدر وابوبه الجامع اضافه شوند.به ترتیب برای سخن کوتاه وپرمعنا، روزجمعه، دیگ بزرگ.....استعمال میگردد.

الجامعه

۱- مونث الجامع میباشد.(اسم مشتق)

۲- ازالجامعه برای بیان مقصودات ذیل استفاده میشود

۱،۲،۱ ابراز علاقه

۲،۲ غل و زنجیر آهنی

۲،۳ موسسات آموزشی

۲،۴ جزئی از تورات

۲،۵ چنانچه قدر به آن اضافه شود به معنای بزرگ است.

الجماع

۱- مصدر ثلاثی مجرد واسم جامد

۲- به معنای جمع کردن استعمال میشود

۳- اگر قدر به آن اضافه شود برای دیگ بزرگ بیان میشود.

الجمعه

۱- هم میتواند اسم جامد باشد هم اسم مشتق

۲- استعمالاتش چنین است:

۲,۱ مجموعه

۲,۲ انس والفت که جمع شده است

۲,۳ هفت روز

۲,۴ یک مشت خرما

الجمعه

۱- هم میتواند اسم جامد باشد هم اسم مشتق

۲- جمع و جمعات، جمع الجمعه هستند.

۳- ششمین روز در هفته راجعه می نامند. به دلیل اینکه در ششمین روز هفته مسلمانان در مسجد جمع میشوند. (برای برپایی نماز جمعه)

اجمع

۱- مونث آن جمعاء و جمع آن اجمعون می باشد.

۲- اسم جامد

۳- از الفاظ تاکید میباشد که به وسیله آن بر جمع کردن هر آنچه که جداییش از جهت حسی و حکمی صحیح است تاکید کند.

الجمع

۱- اسم جامد میباشد.

۲- استعمالاتش عبارت است از:

۲,۱ گروهی از مردم (باپراکندگی و تفرقه و تاکید در آن ضداست - متضاد)

۲,۲ اندیشه استوار (اندیشه ای که پراکندگی در آن راه ندارد)

۲,۳ سپاه، لشکر، گروهی در حال جنگ (میدان جنگ)

الجمع من الامور

۱- اسم مشتق

۲- استعمالات آن به این شرح است : موافق و همراه بودن در کاری (جمع شدن آراء و نظرات بر موردی)

الجمع من الامور

۱- اسم مشتق

۲- جمع کردن پراکندگی از اموری

الجمع

۱- اسم جامد

۲- ج مجامع

۳- به مکانی گردهمایی گفته میشود

۴- تمام وجود معنا میدهد

۵- برای گروهی ادبی و علمی و فنی نیز از این اسم استعمال میشود.

مجامعه

۱- اسم جامد

۲- برای بیان مدت هفت روز استعمال شده، همچنین برای بیان زمین از این اسم استفاده میشود.

مجمعه ،مجمعه ،مجمعه

۱- اسم مشتق هستند

۲- پناهگاه هایی که درمواقع خطر مردم به آن پناه میبردند.

المجموع

۱- اسم مشتق هستند

۲- ج مجامع

۳- استعمالات /۱- کتابی که شامل مواردپراکنده مثل اشعاروداستان و... میباشد. ۲- نزددلالت برجمع وگروه دارند.

الجميعه

۱- اسم مشتق است

۲- ج جمائع

۳- به معنای همان استعمال الاجتماع میباشد.

الجماعه

۱- اسم جامد

۲- ج جماعت

۳- برگروهي از مردم وهمچنين برحيوانات اطلاق ميشود.

الجماع

۱- اسم جامد

۲- یکی از اصول چهارگانه (قرآن ، سنت ، عقل واجماع) میباشد که فقها ومجتهدین درهرزمانی براساس یکی ازاین موارد حکمی را صادر میکنند.دررابطه بامورد ینی

المجتمع

۱- اسم مشتق

۲- برای بیان به بلوغ رسیدن وزمان نیرومندشدن مرداستعمال میشود.

المجتمع

۱- اسم مشتق

۲- به مکان گردهمایی گفته میشود ومجازا واعتبارا اطلاق به گروهی از مردم دارد که برای قوانین ونظم عمومی احترام قائلند.

الجماعیه

۱- اسم جامد

۲- برای یک نوع تفکر اطلاق میشود که بیان کننده این مطلب است که برای حل معضلات باید تمام نیرو و ظرفیت موجود در میان جامعه به کار گرفته شود.

الجماعات و الجماعات

۱- اسم جامد

۲- درمورد مراکز و دفاتر معاملاتی اطلاق میشود.

الهیئه الاجتماعیه

۱- اسم جامد

۲- حالتی که از جمع شدن گروهی برای منافع مشترکی حاصل میشود را گویند.

نتیجه گیری :

با توجه به استعمالاتی که تا به اینجا مشاهده گردیده است و بر اساس کتاب التحقیق معنای معنای جامع ماده جیم میم عین به معنای انضمام چیزی به چیز دیگر میباشد (هو انضمام شی الی اخر) که از ان تعبیر به اجتماع میشود. به عنوان مثال جمعه روزی است که در آن روز مردم برای اقامه و برپایی نماز جمعه در مکانی (مسجد جامع) گرد هم جمع میشوند.

و یا نماز جماعت نمازی است که مردم آن را با یکدیگر اقامه میکنند. اجتماع به گروهی از مردم که در یک صفت با هم جمعند اطلاق میشود.

فصل دوم

(تطبیقات و اژه جمع در آیات و روایات)

فصل سوم

(فرهنگ کار جمعی)

مقدمه :

قال الله تبارک و تعالی فی کتابه : اعوذ بالله من الشیطان الرجیم " و تعاونوا علی البر والتقوی " (مائده / ۲)

چرا فرهنگ کار جمعی ما در جامعه ی ماضعیف است؟ این سوال و پرشسی بود که امام خامنه ای (حفظه الله) در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۱ مطرح فرمود و لذا بهانه ای شد تا در این مقاله به این نقص ملی بپردازیم - البته چه کوتاه و مختصر

گرچه امروزه دنیای غرب کار جمعی را بنام خود ثبت کرده است ولی دین مبین اسلام ۱۴۰۰ سال قبل همواره مسلمانان را به کار گروهی ، مشارکت و تعاون دعوت نموده است.

و شاورهم فی الامر فاذا عزم فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین . (آل عمران / ۱۵۹)

از نمونه مصادیقی که در صدر اسلام در موضوع کار جمعی صورت گرفته است تاسیس اولین نهاد اسلامی بود. نخستین اقدام پیامبر اعظم بعد از هجرت به مدینه ساخت مسجد به عنوان مرکز فعالیت های اسلامی بود.

اهم فعالیت های این نهاد نو پا عبارت بود از:

۱- فراخوان عمومی امت اسلامی در مواقع بحرانی:

۲- مرکز شور و مشورت:

۳- محل قضاوت و رفع دعوای خانوادگی و قبیلہ ای:

۴- آموزش معارف و احکام اسلامی و خواندن و نوشتن:

۵- مرکز ادبی و محفل هنرمندان :

حضرت رسول (ص) همچنین به رغم برخورداری از علم لدنی و مدد وحی الهی برای فرهنگ سازی در خصوص سنت حسنه ی مشارکت (کارجمعی) و مشورت می فرمودند و نظرات صائب آنان رامیپذیرفتند.

اینک شاید این سوال در ذهن ما خطور کرده باشد که چرا ما به عنوان یک نظام اسلامی در این زمینه ضعف های دارد؟ در درجه اول قبول این نکته است که مادر مشارکت و تعاون بایکدیگر دچار نقص وضعف هستیم و قبول همین نقص خود سبب میشود تا برای حل آن دست بکار شویم .

آیا ایرانی ها روحیه کارجمعی ندارند؟

حال اگر کسی ادعا مطلقا روحیه مشارکت در ملت ایران نیست میتوان به صراحت ابراز داشت که این حرف ، ادعایی بس کذب و به دور از واقعیت و انصاف است . چرا که با مرور مصادیق کارجمعی در حوزه های مختلف در میابیم که جامعه ما نه تنها در مواردی قائل به کارجمعی است بلکه آن چرا از لحاظ کیفی در حد اعلاء و به بهترین شکل ممکن پیاده می کنند. به عنوان مثال جامعه مادر حوزه مسائل مذهبی همواره در کارجمعی و گروهی زبانزد بوده است . یک نمونه بارز از این حوزه تشکلی به نام "هیئت" است.

هیئت مذهبی به عنوان یک مجموعه کاملا مردمی برای پیش برد اهداف خود لزوما نیازمند مشارکت و کارجمعی منظم است و به عبارتی اگر این واژه را از هیئت جدا کنیم اساسا دیگر اثرگذاری را نخواهد گذاشت.

در هیئت مجموعه ای از نیروی انسانی در کنار هم قرار گرفته اند و هر یک نقشی به عهده دارند که مکمل مقش دیگری است و ارتباط هر فرد با دیگری در فضای هیئت یک ارتباط زمینی و دنیایی نیست بلکه ارتباطی است که هدیه در عقاید دینی فرد دارد که این عامل اعتماد بین اعضای هیئت می باشد.

"اخلاص" برای هر عضو از مجموعه و تشکل هیئت یک مسئله مهم و حیاتی به شمار می رود و لذا هر فرد تلاش میکند تا عملش به دور از ریا و خود محوری باشد.

در مجموعه هیئت مسئله "پست و مقام" ارزش به شمار نمی رود بنابراین همه اعضای آن بر اساس آنچه خود سر آن به توافق رسیده اند فردی را که شرایط مسئولیت را داراست به عنوان برمیگزینند همگی بدون استثناء در مسیر یار و یاور و مدد کار اوهستند. لذا وقتی به این مسیر و روند حاکم بر هیئات مذهبی دقت شود این نکته روشن خواهد شد که کارجمعی اصلی جدانشدنی از پیکره هیئت است .

بنابراین اینجاست که گفته می شود اینکه مطلقا ایرانی ها روحیه ای بنام "مشارکت و کارجمعی" ندارند گزاره گویی بیش نیست . بلکه عدم نهادینه شدن فرهنگ کارجمعی در جامعه ماسبب شده است تا در این زمینه ضعف هایی داشته باشیم و این همان نقطه شروع است فرهنگ کارجمعی !!!

اقدامات اولیه در فرهنگ سازی کارجمعی

لازمه نهادینه کردن هر مسئله ای در جامعه ، برنامه ریزی دقیق و جامع است . لذا می طلبد که کارشناسان صاحب نظر و اندیشمندان عرصه فرهنگ با برنامه ریزی کلان و حساب شده و با اتاق های فکر و موارد مشابه به آن مقدمات رشد و شکوفایی

جوانان را در ابعاد گوناگون فراهم آورند. مساله برنامه ریزی آن چنان از اهمیت بالای برخوردار است که از دید امام خامنه ای (مدظله العالی) نیز پنهان نمانده است و معظم له در فرآزی می فرماید:

مامیتوانیم این جوان را صبور، قانع، مایل به کار، مایل به تحقیقات، اهل کار جمعی، اهل اغماض، اهل تغلیب عقل بر احساس، اهل انصاف، اهل وقت شناسی، اهل وجدان کاری تربیت کنیم. میتوانیم هم عکس این صفات را در او تزریق کنیم. واقعا این جوانی که در اختیار دانشگاه قرار میگیرد یک جوان هجده نوزده ساله در خور این تربیت هست. در دوره های بخصوص لیسانس این دوره اول میتوان روی این مسئله واقعا فکر کرد و برنامه ریزی کرد. شما میتوانید یک نسلی را به وجود آورید که این نسل دارای این خصوصیات اخلاقی باشد. این هم برنامه ریزی میخواید. این بابوستر و دستور درست نمیشود" (دیدار با وزیر علوم و استانداران دانشگاه تهران)

برای نهادینه کردن فرهنگ مشارکت و تعاون در جامعه ابتدا باید اهمیت و لزوم آن بر همگان تبیین شود. همانطور که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: واعتصم بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا... (آل عمران / ۱۰۳)

یعنی اعتصام به حبل الله هم باید دست جمعی و باهم باشد و لا تفرقوا.

پس از اهمیت روشن شدن کار دست جمعی "آموزش" مسئله مهمی است که همه نهادهای جامعه اعم از خانواده، آموزش و پرورش، مراکز دانشگاهی، صدا و سیما، حوزه های علمیه و... نسبت به آن مسولیت دارند و در تحقق آن باید بایک برنامه ریزی صحیح بکوشند و در مورد این مسئله امام خامنه ای می فرمایند: "نکته ای دیگر کار جمعی، تعاون و همکاری بانکدیگر و همت بلند است. کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند. مسائل گوناگونی وجود دارد که اینها را باید در سطح دنیا دید، در سطح جهانی باید مشاهده کرد در سطح منطقه ای، چه برسد به اینکه انسان بخواهد آنها را در سطح کشوری یا در سطح ولایتی و استانی ببیند" (بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاهی خراسان شمالی)

نقص ملی

ملت ها خصلت هایی مربوط به خود دارند که بخشی از آن مربوط به تاریخ و جغرافیا و اقلیم آن است که به عوامل گوناگونی وابسته است و بخش دیگر آن خصلت های ملی است. دستگاه های دولتی و به خصوص متولیان حوزه فرهنگ موظفند روحیه شور و شوق، میل به تحقیق، کنجکاوی، خسته نشدن و پیگیری کردن را در جامعه نهادینه کنند. زمانیکه خصلت های ملی کشورهای غربی را با خصلت های ملی کشورهای شرقی و از جمله ملت خودمان مقایسه میکنم در میابیم در مجموع شرق آسیا و به طریق اولی ملت ایران از لحاظ کار جمعی دچار ضعف ها و نواقصی است که شاهد به این مدعی به عنوان نمونه مقایسه ورزش های شرق آسیا با ورزش های اروپایی است. در این خصوص نیز امام خامنه ای (روحی فدا) میفرماید: "کار جمعی هم که گفتند همین جور است: کار جمعی هم جزو خصال ملی مانیت. شما ورزش های ما را هم که نگاه کنید و مقایسه کنید با ورزش هایی که متعلق به اروپایی ها است، میبینید همین جور است. ورزش ملی ما که کشتی است یک ورزش انفرادی است. حتی ورزش باستانی ما هم یک ورزش دسته جمعی است، هر کس خودش برای خودش ورزش میکند. میدانید وقتی توی گود زورخانه می روند، کار دسته جمعی انجام نمیشود، باهم یک حرکاتی را انجام نمیدند، هر کس خودش را انجام میدهد مثل فوتبال یا والیبال نیست که کار این، مکمل کار آن باشد. لذا کار، کار دسته جمعی نیست. این کار نقص ملی است و ما باید این را درست کنیم. باید تزریق کرد. اینکار کیست؟ کار دانشگاه است. بنابراین دانشگاه علاوه بر مسئله علم باید به موضوع فرهنگ هم

بپردازد. در آنچه تا به اینجا گذشت مباحثی بود که مربوط به وظایف نهادهای فرهنگی میشود که میان آن نهادها وظیفه و مسئولیتی بردوش حوزه علمیه است. وظیفه و رسالتی بس بزرگ و حیاتی می باشد. حوزه های علمیه باید در سیاستگذاری های کلان خود سعی بر این داشته باشند که همواره حوزه به عنوان مولد فکر خود اقدام به زمینه سازی جهت ورود به حوزه های گوناگون کند و همچنین خلاء های موجود در جامعه را که رهبری معظم نیز همیشه بر مواردی از آن تاکید دارند از جمله فرهنگ کار جمعی، بحث تهدید نسل و... پر کند.

در یک برنامه درازمدت باید معرف الگوهای اسلامی در زمینه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، کشاورزی، ورزشی، هنری و... باشد. ان شاء الله

امام خامنه ای (نفسی بفا) به عنوان یک شخصیت حوزوی علاوه بر آن جامعیت رهبری همواره نگاهشان به حوزه یک نگاه عالمانه و وسیع و جامع بوده است و انتظارات معظم له از حوزه انتظاراتی است که اگر محقق شود قطعاً بسیاری از ضعف های ملی در ابعاد مختلف رفع خواهد شد. از انتظارات حکیمانه امام در خصوص رسالت حوزه های علمیه مورد ذیل می باشد که حضرت آقا میفرماید: حوزه باید با سبکهای نوین تحقیق آشنا باشد. منظورمان همان تحقیق عمقی است - یعنی همان چیزی که مادر حوزه به آن تحقیق میگوییم. یعنی تعمق در مطالب، و هم تحقیق عرضی است، تحقیق سطحی است. یعنی در سطح و در عرض دنبال مطلب گشتن. امروز هر دو نوع تحقیق روشهای نوینی دارند. استادانی مینشینند و دانشجویانی را هدایت میکنند، کار گروهی انجام میگیرد و تحقیق دسته جمعی عرضه میگیرد. تحقیق جمعی خاطر جمع تر از تحقیق فردی است: اختلافات کمتر میشود و پیشرفتها بیشتر میشود. این روشها را باید در حوزه به کار بندیم. مادر حوزه همیشه روش فردی را دنبال میکنیم، به نظر من هنوز هم روشهای فردی است. همین درسی را که شما ملاحظه میکنید یک کار فردی است. درست است صد پاهزار نفر پای درس نشسته اند اما هر یک از آنها جداگانه با استاد و بروست و مخاطب استاد است. بعد هم میرود مشغول کار خودش میشود. حتی کار مباحثه ماهم کاری فردی است. عجیب است یک روز این آقا استاد میشود، او شاگرد، این گوینده است، او شنونده، یک روز او استاد میشود، این شاگرد او گوینده میشود، این شنونده! یعنی کار با هم و دسته جمعی نیست. تعامل فکری نیست کار فردی است. البته این کار فردی جهات حسنه ای هم دارد که محسانات این کار و این شکل نباید از دست برود اما روشهای دسته جمعی هم در دنیا معمول است چرا ما از این روشها استفاده نکنیم؟ (بیانات در آغاز خراج از فقه ۷۰/۶/۳۱)

نتیجه :

از آنجا که در این نوشته چه از لحاظ منابع مطالعاتی و تحقیقاتی محدودیت هایی بر سر راه بود و چه از نظر محدودیت هایی سبب شد تا حق مطلب آنطور که باید ادا نشد لذا در توضیح ابتدایی فرهنگ کار جمعی تا به همین جا بسنده میکنیم و در پایان لازم به عرض است که اگر از نگاه عقلانی بخواهیم به مسئله جمعی بپردازیم بدون شک نتیجه ای که حاصل خواهد شد در بر دارنده این مفهوم خواهد بود که کار جمعی خاطر جمع تر و دقیق تر است و لذا عقل نیز حکم میکند برای اینکه اشتباه کوچک هم در کار نباشد به سمت کار جمعی پیش برویم. احساس پیمودن راه جدید احساس خیلی خوبی است. یعنی واقعا ما احساس کنیم که در عالم دایره المعارف نویسی، یک کار جدید میکنیم به عبارت دیگر چون تاکنون دایره المعارف اسلامی به قلم جمعی از مسلمانان متدین و شایسته ی اسلام نوشته شده است، ما می خواهیم آن کار را بکنیم، این احساس خوبی است و من کاملاً موافق با آن هستم معمولاً در اینطور کارها چند درصد اشتباه هم دیده می شود. چه کار کنیم که همان چند درصد اشتباه کوچک هم در کتاب نماند؟ هر چه بتوانیم اشتباه نکنیم، بهتر است. اصلاً کار جمعی میتواند بی اشتباه در بیاید. آنچه نمیتواند بی

اشتباه دربیایدکاری است که یک نفرانجام میدهد. والا کاری که جمعی می کنندواقعا چه اشکالی دارد که کاری کینم اصلا اشتباهی دربیاید؟

بیانات دردیدار اعضای بنیاد دائره المعارف اسلامی ۱۳۶۸/۷/۳۰